



دست یافته اند از جمله خبر مسرت بخش بلژیک و تصویب دادن اقامت به ده هزار پناهنده در این کشور، و این تازه اول راه است. آنچه مسلم است پناهنده بتنهائی نمی تواند پیروز این میدان باشد. سازمان سراسری پناهندگان ایرانی ابزار مناسبی است در مبارزه بر علیه بیحقوقی های تحمیل شده و میتواند با اتکاء به نیروی صدها نفر از انسانهای خود در سطح جهان این مبارزه را تا دست یافتن به پیروزی پیش ببرد. ما در این سازمان با این امید سال جدید را آغاز کرده ایم که با اتکا به قدرت اتحاد و همبستگی پناهنده پیروزیهای درخشانی را در آینده نسب خود بکنیم. سال ۲۰۰۵ باید سال پیروزی و موفقیت بیشتر برای پناهنده باشد.

محاسبات با جمهوری اسلامی کماکان ادامه پیدا کرد و درد بیحقوقی پناهنده ایرانی در ازای منافع ملی کشورهای اروپائی و روابط اقتصادی به هیچ انگاشته شد. بلا تکلیفی و مرگ تدریجی سرنوشت شومی است که سیاستمداران اروپائی برای انسانهای گریخته از جهنم اسلامی رقم زده اند. ما حاصل این سیاستها چندین هزار پناهنده مخفی و هزاران کودک به حاشیه جامعه رانده شده می باشند که از همه حقوق شهروندی محرومند. در این بین کودکان صدمات روحی روانی جبران ناپذیری به آنها وارد شده و این باعث شرم بشریت متمدن وارد شده به سال ۲۰۰۵ می باشد که دولتهایشان چنین بسر انسانهایی می آورند که به آنها پناه آورده اند. در این بین اما پناهندگان نیز ساکت ننشسته اند و همیشه و همه جا و از جمله در سازمان سراسری پناهندگان ایرانی ضمن تشکر دادن خود و وصل شدن به انسانهای آزادیخواه و برابری طلب جامعه، حقوق حقه خود را فریاد زده اند و به پیروزی هائی نیز

حسام منتظری پناهندگی و چالشهای سبری شده در سالی که گذشت

سال ۲۰۰۴ را با تمام فراز و نشیب هایش پشت سر گذاشتیم. آسمان اروپا برای شرایط پناهندگی همه جا یک رنگ بود، البته نه رنگ شاد زندگی و همزیستی مسالمت آمیز با انسان گریخته از درد و رنج حکومتهای اسلام سیاسی و توتالیتر، که با هزار رنج و مشقت خود را به کشورهای اروپائی رسانده اند بلکه در این سال دول اروپائی گوی سبقت را از هم ربوده و تمام سعی و تلاش خود را کردند که با وضع کردن قوانین ضد انسانی تر، ته مانده حق و حقوق پناهنده را از او سلب کنند. کشور هائی چون ایتالیا و هلند سردمدار اجرای این قوانین بشدت ضد انسانی بوده اند. در این سال اتحادیه اروپا ضمن اتخاذ سیاست مشترک، شهروندان گریخته از دو کشور عمده پناهنده خیز در جهان یعنی عراق و افغانستان را از حق اقامت مسلم شان دریغ کرد و در ناباوری این دو کشور را امن اعلام کرد. در مورد ایران نیز سیاست



سعید یگانه

اجساد مرده، فضای این مناطق را در بر گرفته و زندگی خیلی ها را تهدید می کند. اگر قهر کور طبیعت و امواج آبهای ناشی از زمین لرزه بی رحمانه زندگی را بر مردم این مناطق سیاه کرد، گذشته این مردم چندان هم رضایتبخش نبوده است و زندگی اکثر این مردم خالی از رنج و مشقت نبوده است. خوش سانترین آنها مردم اندونزی و تایلند بودند که تنها محل درآمدشان برای یک زندگی بخور و نمیر توریستهائی بودند که به این مناطق برای گذراندن مرخصی به آنجا مراجعه می کردند. انسانهای بیشماری که در این مناطق با فروش نیروی کارشان و با امکانات محدودشان، بهشت و زندگی پر از شادی و لذت بخشی را برای مردمان دیگر می ساختند و سالانه هزاران توریست از اکثر نقاط دنیا از قبل کار و فعالیت و جسم آنها لذت می بردند. انگار این مردم به چنین سرنوشتی محکومند که برای بقا، یا با بلاهای طبیعت و یا با نظم حاکم در ستیز باشند. امرزه رویدادهای ناگوار طبیعت، جنگ و مصیبتهای ناشی از نظام موجود هروزه در چهار گوشه دنیا از مردم فقیر تلفات میگیرد. زندگی برای مردمی که همین امکانات محدود را از دست داده و جز زمین خالی و غم از دست دادن عزیزانشان چیزی برایشان باقی

واقع زلزله در اقیانوس آرام در حاشیه کشورهای جنوب آسیای شرقی فاجعه انسانی بزرگ در ۵۰ سال گذشته است. دنیا در مقابل تلفات و عوارض انسانی این فاجعه در غم و ماتم و ناباوری فرورفته است. بعد از دوازده روز از وقوع این فاجعه، دنیا از صحنه رسانه های خبری هرروز شاهد بالا رفتن تلفات انسانی و پیدا کردن اجساد مردم زیر آوارهای تلتبار شده هستند. طبق آخرین اخبار تنها در اندونزی ۱۱۴ هزار و در تایلند ۳۰ هزار نفر جان خود را از دست داده اند و تعداد تلفات در مناطق زلزله زده را تا مرز ۲۰۰ هزار نفر پیش بینی کرده اند. بیشتر از ۵۰ هزار کودک در این فاجعه جان خود را از دست داده اند و هزاران کودک پدر و مادر و خانواده خود را از دست داده و بدون سرپرست معلوم نیست چه آینده ای در انتظار آنهاست. سازمانهای حقوق بشر در مورد قاچاق کودکان و خرید و فروش آنها در این مناطق به دولتهای حاکم هشدار داده اند. مردم بخت برگشته مناطق زلزله زده تقریباً هست و نیست خود را از دست داده اند و همه زندگی آنها طعمه خشونت طبیعت شد. بر صحنه تلویزیونها جز چوب آبادها و حلبی آبادهای به هم ریخته نشانی از امکاناتی که ادامه زندگی را برای مردم باقیمانده از این فاجعه ممکن کند وجود ندارد. شیوع امراض ناشی از وجود

در صفحات دیگر

در نظام سرمایه داری

صفحه ۲

یک پیروزی بزرگ

صفحه ۲

کدام راه حل؟
در رابطه با فراندوم

صفحه ۲

نامه یک پناهنده

صفحه ۴

بی مرز را تکثیر و پخش کنید به سازمان سراسری پناهندگان ایرانی پیوندید و خود را در آن متشکل کنید

سومین کنفرانس اول کودکان

کودکان اول چرا و چگونه؟
کنفرانس در مورد
جهادشمار بودن حقوق کودکان
۱۱ و ۱۲ فوریه ۲۰۰۵ - استانبول

www.childrenfirstinternational.org



اسماعیل خضری

در نظام سرمایه داری نقش فرد در زیر سایه نکتت جمهوری اسلامی به طور کلی در نظر گرفته نمی شود، عملکرد هر فردی با تمامیت خواهی خدای اسلام و آخوند خوانی نداشته باشد، باشمشیر از روسته حکومت اسلام تارو مار می شود، هرچه انسان انجام می دهد باید لطمه ای به نظام اسلامی وارد نکند، حفظ نظام از نان شب ضروری تر است، انسان به سان فرداگر در راه موجودیت و بقا این نظام جنایتکار خورد و خمیر هم شود، باز هم کم است این آسیاب باید بچرخد، باید زیر هر چرخ دنده آن آثار نابودی انسان از دور به چشم آید، انگار که

تمامی ندارد، انسانها زیر خفقان این نظام اسلامی دمی آسوده نیستند، اما زیر این خفقان، به خاکستر زیر آتشی می ماند که تمامیت حکومت خدا را تا مغز استخوان نشانه گرفته است. هر آن خبر می دهند، باد طراوت بخش آزادی، نسیم آسا در راه است، ولی عاشقان آزادی و برابری باید دم را غنیمت بشمارید، چونکه تمام امید و آرزوی همه مردم ایران، دنیای بهترمان، فقط در ظرفی وجود خواهد داشت به وسعت سوسیالیسم، اصلاً اگر تمام اهداف سوسیالیسم بدون کم و کاست آخرین منزلگاهمان نباشد، باز هم بی فایده است، آب در هاون کوبیدن است چرا زیر آترین نقطه تکامل نظام سرمایه داری، جهان غرب است، پاپ به کلیسا خزیده، وگر نه همان آخوند جنایت کار خودمان است و مقداری هم سرمایه دار آن زمانهای دور، دستش را صد البته برای سود بیشتر از

زندگی مردم کوتاه کرده است. این سرمایه داران به مقتضای زمان و مکان خودشان را رنگ کرده یا رنگ عوض می کنند، او یعنی سرمایه دار دنبال سود بیشتر است چکار به این دارد سه دهه است مردان و زنان خدای اسلام به جان مردم ایران افتاده اند، هر تحفه ای که سرمایه دار بخورد مردم ایران بدهد، باز هم از دنیای خودش که برای انسان فراهم کرده بالاتر نمی رود، اینجا سرمایه دار نسبت به سرمایه داری اسلامی ایران بسیار پیشرفت کرده است ولی از بسیاری از جهات ارمغان این سیستم سرمایه داری پیشرفته، تنهاییگانه کردن انسان از خودش و جامعه انسانی است. برای نمونه؛ زنان تن فروش که محصول نظام سرمایه اند، در ایران اگر از راه تن فروشی لقمه نانی به چنگ آورند، اگر سنگسار نشود بسیار موفق و کارآمد بوده است، حداقل زنده مانده اند! این نوع زنان تن فروش در

بیشتر، تو یعنی سود بیشتر، موجودیت ما به این دلیل مهم است تا در جای و مکانی به سرمایه کسانی بیافزایم، موجودیت من و تو، زندگی مان، نحوه گذرانمان خمیر مایه، سرمایه کسانی می شود که ما را به قیافه نمی شناسند، صد البته اسممان را در کامپیوترشان ثبت کرده اند. حال در ایران زیر سلطه سرمایه داری اسلامی ممکن است حکومت از خفقان موجود اندکی بکاهد ولی برای پیشرفت سیاستهای پلیدو ریاکارانه خودش و فریب افکار عمومی داخل ایران و جامعه بین الملل. باید آگاه بود به ریشه زده همزمان ریشه سرمایه دار اسلامی را خشکاندو نفسش را برید. اجازه عروج هر سرمایه داری هم نداد. انسان زمانی دیگر شکنجه و اذیت نمی شود که برای سود بیشتر کار نکند، راه چاره فقط سوسیالیسم است.

۸۰۰ هزار پناهجو و

مهاجر در اسپانیا

مشمول اقامت دائم

شدند

ترحم دولت اسپانیا با فشار

جنبشهای اجتماعی

روزهای آغاز سال نو در امتداد پیروزی کم سابقه پناهجویان در بلژیک، جنبش عدالتخواهانه و دفاع از غیر قانونی ها در اسپانیا نیز یک پیروزی درخشان دیگر و بی نظیر را از آن خود و صدها هزار پناهجو ساخت. دولت اسپانیا در آغاز سال نو اعلام کرد که به کلیه پناهجویان و مهاجران "غیر قانونی" که در کشور

اسپانیا حداقل بمدت ۶ ماه کار کرده اند، اقامت دائم خواهد داد. دولتهای اروپایی علیرغم میل خود و در نتیجه وجود جنبشهای اجتماعی و انسان گرا در این جوامع هر از گاهی در نتیجه فشارهای مداوم و وجود اعتراضات پناهندگان و سازمانهای مدافع آنها تصمیماتی را اتخاذ میکنند که بخشی از پناهجویان را از مخمسه نجات میدهد. تعداد پناهجویانی که تحت شرایط بشدت غیر انسانی مشغول به امرار معاش و گذراندن زندگی خود هستند بمراتب بیشتر از این رقمی هستند که در اسپانیا مشمول حق اقامت شده اند.

کشورهای اروپایی اکنون ناخواسته میزبان میلیونها مهاجر "غیر قانونی" میباشند که در این کشورها از (سوئد و نروژ گرفته تا بریتانیا و فرانسه و اسپانیا و ایتالیا و سایر کشورها) به کار مشغول هستند و در شرایط نابسامانی زندگی میکنند. پیروزیهای درخشان و بی نظیر بلژیک و اخیراً اسپانیا راه را هموار کرده است تا جنبش دفاع از پناهندگی یک گام بلند به جلو بردارد و این پیروزیها را به تخطئه پرش برای تثبیت حقوق حاشا ناپذیر و انسانی میلیونها انسان که تنها "جرمشان" عدالتخواهی و دفاع از ارزشهای

انسانی بوده و ناچار به فرار شده اند، برای همیشه بدون دغدغه خاطر از کابوس دیپورت و زندان و شکنجه به حیات خود ادامه بدهند. بلژیک و اسپانیا یک بار دیگر این حقیقت را اثبات کردند که ما میتوانیم پیروز بشویم و هنوز روزنه هایی ولو کوچک اما امید بخش وجود دارند که میتوان با حضور فعال و تلاش آگاهانه و متحدانه روزنه های امید را بزرگتر و بزرگتر کرد و فردای نه چندان دور چنین پیروزیهایی را در کانادا و سوئد و بریتانیا و غیره جشن بگیریم. سازمان سراسری پناهندگان ایرانی

این پیروزی را به همه انسانهای آزادیخواه و پناهجویان تبریک میگویم و در تداوم بخشیدن به اینچنین دستاوردهای عظیم تلاش میکنم و در این راستا همه انسانهای مدافع حقوق مدنییرا به مبارزه متحدانه فرا میخواند.

برای مبارزه

متحدانه به سازمان سراسری پناهندگان ایرانی بپیوندید.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی

۶ ژانویه ۲۰۰۵

نگرشی کوتاه به مبارزه دو ساله پناهجویان در بلژیک

بزودی منتشر می شود

نوشته کیوان آذری



در شرایط بسیار بغرنج در بی حقوقی کامل بسر می برند. این امر مهم در هر حال دیر یا زود به واقعیت خواهد پیوست چرا که موج عظیمی از انسانهای چپ و رادیکال، جریانات و فعالین حقوق بشری و پناهندگی در اروپا و از جمله سازمان سراسری پناهندگان به عنوان پرچمدار این صف در این عرصه حضور فعال دارند و میتوانند توازن قوا را به نفع پناهنده تغییر دهند. این تازه اول راه است. جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ناامن است. این جامعه برای اکثریت مردم آن به جهنم تبدیل شده است. این را بایستی به کشورهای اروپایی تحمیل کرد و با استفاده از تجربه بلژیک متحدانه برای حقوق انسانی پناهنده تلاش کرد.

ضد پناهندگی هماهنگ و متحد عمل کرده و در این زمینه حتی گوی سبقت را از هم میگیرند، ما سازمانها و فعالین این عرصه نیز بایستی در سطح بین المللی در اروپا ظاهر شویم و به دولتهای محل اقامتمان فشار آورده و کمترین سطح توقع و مطالبات ما این باشد که عقب نشینی دولت بلژیک را به منزله عقب نشینی کل دول اروپایی بدانیم و بر این مسئله تاکید کنیم که به علت پیشبرد سیاستهای مشترک پناهندگی که خودشان بارها اذعان کرده اند حداقل در این نمونه مشخص نیز که روزنه ای برای زندگی پناهنده بوجود آمده یکسان عمل کنند و این میتوانند بر سر نوشت هزاران انسان و صدها خانواده و کودک تاثیر مثبت بگذارد که اکنون





سعید یگانه

کدام راه حل؟ در رابطه با فراندوم

طرح فراندوم برای تغییر قانون اساسی و خلاصی جامعه ایران از بحران و بن بست کنونی از طرف طیف های مختلف بورژوازی و فعالان سیاسی تحریک جدیدی یافته و سر تیترا اکثر رسانه های فارسی زبان را اشغال کرده است. ناکارآمد و پوچ بودن فراندوم برای کوچکترین تغییری در ساختار حکومت ایران بر همه گان روشن است و کسی توهمی نسبت به این مسئله ندارد که جمهوری اسلامی قابل اصلاح نیست و با فراندوم نمی شود رژیم را پای فراندوم کشاند که به ماندن یا نماندن خود رای بدهد. این را دست کم ناصر زرفشان یکی از امضاکنندگان بیانیه (فراخوان ملی برای فراندوم) در جواب به حجابیان در خصوص این مسئله بر زبان آورده است. بی خاصیتی و ناکارآمد بودن فراندوم خود باعث بروز اختلافاتی

در درون صفوف طرفداران آن شده است. نتیجتاً فراخوان فراندوم، هدف بر حذر داشتن مردم از یک عمل انقلابی و دگرگون کننده علیه جمهوری اسلامی و شیفت کردن مردم به طرف آمریکا و گذاشتن افق دخالت آمریکا و تغییر رژیم اسلامی از طریق فراندوم و سر کار آوردن حکومت کرزائی سوم به سبک آمریکا جلو روی جامعه ایران است. طرح فراندوم صرف نظر از نیات تعداد معدودی طرفداران آن، دست نیروهای ماورا مردم از جمله آمریکا را برای دخالت در تحولات سیاسی ایران از بالای سر مردم، بر حذر داشتن مردم از دخالت فعال در صحنه سیاسی ایران و سیاست انتظار را پیشه جامعه خواهد کرد. بحران و بن بست سیاسی و اقتصادی جامعه ایران که جمهوری اسلامی بانی اصلی آن است، مسئله رفتن و سرنوشت جمهوری اسلامی را به مسئله اصلی و گرهی جامعه ایران تبدیل کرده است. جنبش های اجتماعی و احزاب متعلق به آن بسته به منافع طبقاتی خود می خواهند راحل های خود را برای برونرفت جامعه ایران از بحران کنونی در مقابل جامعه قرار دهند. فراندوم را باید برمتن چنین فاکتوری مورد ارزیابی قرار داد. مدافعین امروز فراندوم بخشی از مدافعان دیروز

بخش پناهندگی؛ به تقاضای پناهندگانی که خود وارد سوئد می شوند رسیدگی می کنند. به متقاضیان پناهنده مستمند تا زمان پاسخ خود مسکن ارائه می دهند. مسئولیت بازداشتگاههای اداره مهاجرت را بعهده دارد. افرادی را که حکم اخراج دریافت کرده اند سوند اخراج میکنند. از دیگر مسئولیتهای این بخش، پذیرش پناهندگان که از یک اردوگاه پناهندگی مستقیماً به سوئد منتقل میگردند. بخش بازدید و سکونت؛ رسیدگی به تقاضای روادید- (ویزا) ، رسیدگی به تقاضای بازدید، اجازه کار و تحصیل ، رسیدگی به تقاضای سکونت در سوئد برای مثال بر اساس پیوند خانوادگی. رسیدگی به تقاضای شهروندان اتحادیه اروپا و منطقه قرار داد (نی نی اس) ، الساق بر حسب اقامت به گذرنامه افراد و نیز رسیدگی بی تقاضای اخذ گذرنامه

خاتمی و بیشتر طیف های مختلف شکست خورده دوحرداری هستند که نزدیک به یک دهه در دفاع از خاتمی و پروژه دوحرداد برای تغییر رژیم از درون تلاش کردند و در این راه تمام توان خود را به کار گرفتند. شکست دو خرداد و قطع امید از خاتمی یکی اپوزیسیون به چشم انداز تغییر رژیم اسلامی از طریق فراندوم است. از مجاهدتهای بخشی از این طیف از اپوزیسیون خودی رژیم برای حفظ بقای جمهوری اسلامی و تبدیل آن به یک رژیم اسلامی خوش خیم دهها صفحه را می توان نوشت و سیاه کرد. همه اینها کنفرانس برلین را ساختند و خواستند جمهوری جنایتکار اسلامی را بعنوان رژیم اصلاح پذیر به افکار عمومی بفروشد و خاتمی را بعنوان ناجی مردم به جامعه قالب کنند. اینها هیچوقت دوستان مردم نبوده اند، منافعتشان با منافع مردم محروم و متنفذ از رژیم اسلامی همخوانی نداشته است. نه به فقر و فلاکت مردم اعتراضی داشته اند و نه از بی حقوقی کارگران رنج برده اند و نه به بی حقوقی زن و آپارتاید جنسی حاکم بر آنان اعتراضی داشته اند. نه حتی جمهوری اسلامی را به خاطر اعدامهای وسیع و سنگسارها سرزنش کرده اند. اینها هیچوقت

دلشان با مردم نبوده و گروه خونشان با مردم همخوانی نداشته است. لبشان را زمانی به اعتراض گشوده اند که به خودی های خودشان اجحافی شده باشد. اینها بیشتر از قیام و انقلاب مردم هراس دارند تا از جمهوری اسلام. رشد جنبش آزادیخواهان مردم برای سرنوشتی، بخش های مختلف بورژوازی در حکومت و در اپوزیسیون را بفکر چاره سازی کاهش بحران، پائین آوردن توقع مردم، به خانه فرستادن آنها و تغییراتی اندک در وضع موجود می اندازد. پروژه دو خرداد یکی از این ترنند ها بود که با تلاش مردم و جنبش کمونیسم کارگری به شکست انجامید و تاریخ مصرف آن تمام شد. طرح فراندوم را نیز باید بر متن این فاکتورها دید و به مصاف آن رفت با این تفاوت که این بار مردم تجربه دو خرداد و خاتمی را پشت سر خود دارند. طرفداران فراندوم تبلیغ می کنند، که فراندوم یک راه مسالمت آمیز است، تا بگویند که قیام و انقلاب علیه یکی از جنایتکارترین حکومت تاریخ معاصرو خشن ترین آن، (خسونت) است و مردم را از قیام علیه آن بر حذر می دارند و برای چاشنی آن نسل جدید را به انقلاب ۵۷ و نتایج آن مراجعه می دهند.

بقیه از صفحه ۱ زلزله نمانده، چقدر بایستی سخت و طاقت فرسا باشد. کمکهایی که به این مناطق رسیده، فقط مردم بازمانده از این فاجعه را بطور موقت از مرگ نجات می دهد. بازسازی، تامين شغل و کار و فراهم کردن امکانات برای مراجعه مجدد توریستها به این مناطق و از سر گرفتن زندگی عادی و امرار معاش برای ادامه بقا همه مصائبی هستند که این مردم از همین حالا تا آینده ای نه چندان دور با آن دست به گریبانند. آیا دنیا به این همه مصائب توجه خواهد کرد و به داد این مردم خواهد رسید؟

**از سایت سازمان
سراسری
پناهندگان ایرانی
دیدن کنید
www.Bimarz.net**

گنوهایی پناهندگی و تحقیر این هزاران انسان شرافتمند با تحمیل این نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی در زندگی روزمره آنها، برای پناهجو و احزاب سیاسی راهی جز اعتراض و مبارزه وجود ندارد. سیاست راسیسم دولتی و ضد پناهندگی را فقط و فقط باید با اعتراض متحدانه پناهجویان، با سازماندهی حمایت مردم از آنها و حمایت احزاب سیاسی به عقب راند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست موفقیت بزرگ پناهجویان در بلژیک را به تک تک آنها، به مردم و احزاب سیاسی که در راه به سرانجام رساندن این موفقیت تلاشهای بسیار صمیمانه را انجام دادند، تبریک میگوید.

تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست
۲۲ دسامبر ۲۰۰۴-۱۲-۲۲
تلفن تماس
۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

این موفقیت بزرگ را تبریک میگوییم!

روز ۲۰ ماه دسامبر ۲۰۰۴ بالاخره دولت بلژیک در مقابل مبارزات بی وقفه پناهجویان ساکن بلژیک عقب نشینی کرد و از طرف آقای پاتریس دووال اعلام شد پناهجویانی که قبل از سال ۲۰۰۱ وارد کشور بلژیک شده اند طبق قانون شامل ریگولایز شده و اقامت در این کشور به آنها تعلق میگیرد. و ابلاغ رسمی آن در سه ماه اول سال ۲۰۰۵ خواهد بود. مبارزات پناهجویان در بلژیک حاصل بیش از یکسال مبارزه بی وقفه، متحدانه و قاطع پناهجویان و حمایتهای مردم و ۱۲۰ سازمان و احزاب سیاسی در بلژیک است. در شرایط کنونی که دولتهای اروپایی سیاست ضد پناهندگی و راسیسم دولتی را علیه هزاران انسان که از کشورهای مختلف به این کشورها وارد شده اند را اتخاذ میکند، سیاست دیپورت و عدم پذیرش پناهجویان، تحمیل زندگی و معاش روزانه سخت به پناهجویان، زندانی کردن آنها و کودکانشان در

بخش پناهندگی؛ به تقاضای پناهندگانی که خود وارد سوئد می شوند رسیدگی می کنند. به متقاضیان پناهنده مستمند تا زمان پاسخ خود مسکن ارائه می دهند. مسئولیت بازداشتگاههای اداره مهاجرت را بعهده دارد. افرادی را که حکم اخراج دریافت کرده اند سوند اخراج میکنند. از دیگر مسئولیتهای این بخش، پذیرش پناهندگان که از یک اردوگاه پناهندگی مستقیماً به سوئد منتقل میگردند. بخش بازدید و سکونت؛ رسیدگی به تقاضای روادید- (ویزا) ، رسیدگی به تقاضای بازدید، اجازه کار و تحصیل ، رسیدگی به تقاضای سکونت در سوئد برای مثال بر اساس پیوند خانوادگی. رسیدگی به تقاضای شهروندان اتحادیه اروپا و منطقه قرار داد (نی نی اس) ، الساق بر حسب اقامت به گذرنامه افراد و نیز رسیدگی بی تقاضای اخذ گذرنامه

مختصری از تغییر ساختار اداره مهاجرت سوئد به نقل از سایت استکهلمیان

از تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۵ تغییراتی در ساختار اداره مهاجرت سوئد به اجرا درآمده که به قرار زیرند: ساختار اداره مهاجرت سوئد تا به حال بر تقسیم بندی جغرافیائی استوار بوده که سوئد به چند ناحیه جغرافیائی تقسیم و اداره مهاجرت در هر ناحیه دارای سازمان مستقل بود که به امور مهاجرتی آن ناحیه رسیدگی مینمود. بظور مثال پرونده متقاضی پناهندگی متعلق به ناحیه شمال در اداره مهاجرت ناحیه شمال بررسی می شود. و در جنوب به همین منوال. اما از اول ژانویه ۲۰۰۵ این تقسیم بندی اعتبار ندارد بلکه اداره مهاجرت بر اساس وظایف کاری به پنج قسمت که هر کدام مربوط به حیظه فعالیت خوداست و دفاتر مربوط به حیظه و وظایف خود در سراسر کشور می پردازد. از اهداف این تغییر تسهیل در رهبری و هدایت این اداره در اهداف آن اعلام شده است.



جواد صفوی

نامه یک پناهنده به بی مز در رابطه با
مطلب خود کشی در همین صفحه
javadsafawi@yahoo.com

با سلام خدمت دوستان و رفقای عزیز و همچنین پناهجویان محترم . می خواهم راجع به متن نوشته شده در بیزر شماره ۴ با تیترا (خودکشی راه حل نیست) حرف بزنم. من خودم پناهجویی هستم که در یکی از دهات کوچک آلمان در مرز هلند زندگی می کنم . در هایی که اگر در درب را باز کنی موشهائی به اندازه گربه را روبرویت می بینی ! . در هایی که با تو مثل حیوان رفتار می کنند. بجای پول شاین داده می شود تا بتوانیم مواد غذایی خشک را بگیریم و مواظب غذا خوردنمان

خود کشی راه حل نیست، مبارزه سراسری تضمین کننده حرمت انسانی شماست!

در حاشیه اعتصاب غذای گروهی از پناهجویان ایرانی در استرالیا

بنا به اخبار رسیده به دبیرخانه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی شش پناهجوی ایرانی در کمپ باکستراسترالیا اقدام به اعتصاب غذا و سه تن اقدام به دوختن لیبهای خود کرده اند و جمعی دیگر بقصد خود کشی و تهدید دولت استرالیا جهت انعکاس افکار عمومی جهان و متوجه کردن اذهان، خود را به مرتفع ترین چوب بست ساختمانهای بازداشتگاه نامبرده رسانده اند.

این داستان زندگی فراریان جهنم اسلامی در اقصی نقاط جهان شده است. پربروز در بریتانیا به عباس امینی علیبرغم زندانی شدن و باقیماندن علامی آثار شکنجه های اسلامی بر بدنش اجازه اقامت به او نمیدادند، دیروز در استکهلم پایتخت به اصطلاح انساندوست ترین کشور جهان شاهد لب دوختن سه پناهجوی ایرانی در اعتراض به عدم احساس مسئولیت اداره اتباع بیگانه این کشور، بودیم و امروز ناچار به پخش

باشیم تا مبادا آخر هفته گرسنه بمانیم. جایی که.....این زندگی من و زندگی اکثر پناهجویانی است که از دست حکومت تروریستی و ضد انسانی ایران فرار کرده اند و حاضر به قبول چنین زندگی نشده تا زنده بمانند. در چنین جایی خنده و شادی و رفاه گم شده است و قصه برف در تابستان را دارد. هر ساعت و هر لحظه ترس و استرابی که در قلب و جان تک به تک پناهندگان وجود دارد که مبادا به آن جهنم درد بر گردانده شوند، باعث می شود که بعد از مدتی درک کنند واقعا این دولتها نمی خواهند بفهمند چه شرایط وخیمی در ایران برای زندگی و انسانیت وجود دارد ، که مردمش حاضر به پذیرش چنین زندگی خفت باری می شوند. اما کاشکی وضع زندگی به همین صورت با قی می ماند و از بد بدتر نمیشد. چند سال به همین منوال پیش میرود و در آخر ویزای یک هفته ای هم نمیدهند و میگویند بروید بمیرید!!!

حالا واقعا چکار می شود کرد؟ به خودت می گوئی اگر قرار است به ایران برگردم و خوب شکنجه شوم و در آخر کشته شوم ، چه بهتر که همینجا بمیرم، لااقل شکنجه نمی شوم و شاید با این کار دولتها بفهمند ، وقتی فردی از جانش می گذرد تا به کشورش دیپورت نشود، حتما اینجا مشکلی بزرگتر از یک مرگ به نام خودکشی در انتظارش بوده و مثلما نه تنها در انتظار او بلکه در انتظار تمامی پناهجویان فراری از دست رژیم آخوندی و کثیف ایران . اما با وجود تمامی این صحتیها می خواهم نه بعنوان کسی که می داند ، می تواند در آلمان یا در هر کشور آزاد دیگری بماند، بلکه به عنوان یک پناهجو ، به عنوان یک ریشه از هزاران ریشه ای که در دل خاک رو به خشکی هستند بگویند که باید با هم دست در دست هم دهیم تا بتوانیم ساق و برگ پیدا کنیم و بتوانیم نفس بکشیم و زندگی کنیم و از این وضعیت نا مناسب نجات

پیدا کنیم. دوستان و رفقای عزیز و همدردان من واقعا خود کشی و خود زنی دوی درد ما نیست . ما باید صدایمان را به شکل دیگری بلند کنیم بصورتی که فایده داشته باشد و خاموش نشود و این کار جز با استقامت و ایستادگی محقق نمی شود. محکم باشیم و بدانیم که کسانی هستند که ارزش انسان بودن را می فهمند و با ما همکاری می کنند. و بجای خودکشی با آنها همکاری کنیم. به این صورت نه تنها مشکل خود، بلکه مشکل دیگر پناهندگان را نیز می توانیم بر طرف کنیم . در صورتی که با خودکشی نه تنها مشکلی حل نمی شود بلکه درد از دست دادن یک دوست و یک رفیق تا ابد در دل دیگر پناهجویان و دیگر دوستان و رفقا باقی خواهد ماند. پس بیایم فریادمان را سازمان یافته و در دفاع از خود بلند کنیم و فکر خودکشی، خود زنی ، دوختن لیبها ، اعتصاب غذا و ... از سر برای همیشه بیرون کنیم.

وجود ما، نفس اتحاد و تشکل و سازمانیافتگی ما اساسا ریشه در پاسخگویی به این مهم دارد. ما برای خاتمه دادن به این اجحافتی که بر شما و خود ما میروند متحد و متشکل شده ایم. راهی جز جنگیدن و تلاش سرسختانه نداریم، باید این راه را پیدا کنیم و برای آن قبل از هر چیز به حفظ جانمان نیاز داریم. خود کشی راه حل نیست، خودزنی از سر یاس و سرخوردگی و استیصال ما را به جایی نمیرسد. به اطراف خود نظری بیافکنید، در ورای سیم خاردارهای بازداشتگاهها انسانهای بیشماری وجود دارند که میتوانند و باید به شما کمک بکنند. جهان متمن نمیتواند با دیدن این درجه از سببیت و وحشیگر نسبت به انسان آرام بگیرد. لبهایتان را باز کنید و جان تازه ای بگیرید و مبارزه را در اشکال دیگری ادامه دهید. روی سخنم با شما اتحادیه های کارگری، احزاب چپ و نهادهای مدافع حقوق بشر و با شما ایرانیان خارج کشور و احزاب سیاسی است. این پناهجویان به کمک ما نیاز دارند، باید دولت استرالیا را وسیعا محکوم کرد و تحت فشار قرار داد. بیاید متعهد بشویم که فراریان جهنم اسلامی را تنها نمیگذاریم و در این نبرد نابرابری که به آنان تحمیل

شده است در کنارشان خواهیم بود. پناهجویان، انسانهای آزاریخواه در هر کجای خارج از ایران که هستید با ما تماس بگیرید و اقدام به تاسیس دفاتر سازمانتان، سازمان سراسری پناهندگان ایرانی بکنید و برای مبارزه و تحقق اهداف انسانیمان متحدانه فارغ از تقسیم بندیهای کاذب ملی و مذهبی و نژادی و جنسی برای دفاع از خود و ارزشهای انسانی مبارزه کنیم.

زنده باد اتحاد و مبارزه

سعید آرمان
دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی

۸ دسامبر ۲۰۰۴

بقیه از صفحه ۳

خارجیان (فرملینگر پاسپورت) و یا جواز سفر ویژه پناهندگان بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو است .
بخش تابعیت :
رسیدگی به تقاضای افرادی که مایلند به تابعیت سوئد در آیند .
رسیدگی به تقاضای افرادی که مایلند از تابعیت سوئد خارج شوند .
شماره تلفن تماس با اداره مهاجرت ۰۷۷۱۱۹۴۴۰۰ دوشنبه الی جمعه ۹ تا ۱۵

دبیر: سعید آرمان
Saed_arman2002@yahoo.co.uk
تلفن:
۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷
مسؤل امور مالی
لادن داور
معاونین دبیر
مینو همیلی
minoo_homaili@yahoo.com
تلفن و فاکس
۰۰۱۴۱۶۲۰۱۴۳۱۶
سعید کرامت
keramat@symptico.com
تلفن: ۰۰۱۴۱۶۶۹۴۹۶۹۵
همکار سر دبیر:
اسماعیل خضری
smko1917@web.de
مشاور سیاسی دبیر
نریا شهابی
Soraya_shahabi@yahoo.com

آدرس و شماره تلفن
واحدهای کشوری و شهری

تر کبه: محمد محمدی
تلفن: ۰۰۹۰۵۵۵۲۰۵۴۳۰۱
mohammadi1917@yahoo.com

فنانند: اسماعیل ویسی
تلفن: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴
iranps@pp.inet.fi

انگلستان: محسن ابراهیمی
تلفن: ۰۰۴۴۷۷۷۲۹۸۸۸۷۱۷
mohsen1244@hotmail.com

نروز: غفار غلام ویسی
Ghfar@chello.no

کانادا: مینو همیلی
Minoo_homeili@yahoo.com

سوئد: بهنام ارانی
روابط عمومی: پرشنگ بهرامی
behnamarani@yahoo.se

استکهلم: حسام منتظری
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۷۹۸۰۵۱
samazad@hotmail.com

وستر: یدی گلچینی
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۸۳۷۲
ygoldchini@yahoo.com

واحد شمال: غفور عباس نژاد
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۷۹۸۰۵۱
۰۰۴۶۶۳۷۰۵۰۷۸۹
ifrboden@hotmail.com

لبنشوینگ: حبیب الله مرادی
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۵۶۵۱۵۷
habibmoradi@hotmail.com

یونوبوری: حسین مرادی
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۵۰۷۲۵۰۴
۰۰۴۶۷۳۹۶۵۵۸۱۷
samazad@hotmail.com